

عنوان مقاله:

تطبیق آرای روانکاوانه ی لکان با ویژگی های ناخودآگاه زنان فرمانروا در دو داستان از نظامی گنجه ای

محل انتشار:

فصلنامه زن و فرهنگ، دوره 4، شماره 12 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

منوچهر تشکری - گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

سیده سمانه صالحی - رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

خلاصه مقاله:

نوشته های روانکاوانه ی ژک لکان، امکان فرضیه سازی درباره ی ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی را که در متون ادبی جلوه گر می شوند، در اختیار منتقدان قرار می دهد. لکان، با بازنویسی فرآیند ادیبی فروید به کمک اصطلاحات زبانی، سه مرحله را در رشد روانی سوژه، دخیل می داند: مرحله ی اول، تحت عنوان امر واقع با خصیصه ی تمامیت، یک-پارچگی و فراسوی دسترسی، از زبان بی نیاز است. امر خیال با توهم تمامیت و انسجام(سوء شناخت) در مرحله ی دوم قرار دارد. مرحله ی سوم با شکل گیری قانون و تمدن توسط پدر، کودک را وارد نظام از پیش ساخته ی قلمرو نظم نمادین متشکل از دال ها می کند. نظامی گنجه ای درعالم خیالی داستان های خود، ماجراهایی را از زنان فرمانروا در خسرو و شیرین و هفت پیکر می آفریند که می تواند در تقسیم بندی روند رشد روانی سوژه، مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله، نگارندگان می کوشند تا با استفاده از مباحث لکانی، دو داستان را در مورد زنان فرمانروا از خمسه ی نظامی به عنوان نمونه ای از اندیشه ی اجتماعی وی، با آرای لکان، مورد بررسی و تطبیق قرار دهند.

کلمات کلیدی:

ژک لکان، نقد روانکاوی، خسرو و شیرین، هفت پیکر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1023740>

